

پژواک

نشریه خبری - به کوشش توده‌ایهای مبارز در برلین غربی

شماره ۱ ۱۵ آبان ۱۳۶۵

سخنی کوتاه با خوانندگان

نخستین شماره نشریه خبری "پژواک" به عنوان شماره پیکر از کوشش مشترک ما در مقطع پس از جدایی از سازمانهای حزب توده ایران، پیش روی شماست.

انگیزه ما از کوشش در جهت انتشار "پژواک" پاسخی در حد توان به احساس خلأ وجود نشریه‌ای خبری در سطح جنبش است که منعکس کننده بهترین رویدادهای ایران و جهان به دور از تأثیر حسابگری‌های گروهی و دید تک بعدی تنگ نظرانه باشد.

از آنجا که نقل جد بدترین و جالبترین موضع گیری ها و نقطه نظرات در سطح جنبش چپ ایران و جهان جای ویژه‌ای در صفحات "پژواک" خواهد داشت، یادآوری این نکته را لازم می دانیم که انعکاس چنین مطالبی در "پژواک لزوماً" به مفهوم پذیرش محتوی و موافقت کامل با آن نیست.

به امید آنکه کوششمان در انتشار "پژواک" گامی هر چند کوچک، همگام با مبارزه و مقاومت در داخل کشور و منعکس کننده آن و سرآغاز کوششی همگانی در نزدیکی دیدگاهها در طبقه نیروهای راستین انقلابی باشد.

هیئت تحریریه

استعفای

رفیق اکبر شاندرمنی

از

هیئت سیاسی

کمیته مرکزی

حزب توده ایران

در صفحه ۶

اختلافات بالامی گیرند

بدنی است که درگیرهای جناح های مختلف حاکمیت جمهوری اسلامی بالا گرفته است. انتخابات میاندوروی تهران که خود نمودی از صف آرایی دو جناح - یکی به حمایت از ناطق نوری و دیگری در دفاع از حجت الاسلام احمدی - با پیروزی جناح اول خاتمه یافت - کوششی ناموفق از جانب منتظری، جهت تعدیل و کاهش درگیرها را بدنبال داشت. پیرو آن، روزنامه کیهان ستونی را به نظرخواهی از صاحب نظران اسلامی و دست اندرکاران رژیم در مورد "بحث آزادی" اختصاص داد.

پنجه در صفحه ۲

درگذشت محمد علی جعفری هنرمند مردمی

در صفحه ۳

هفتمین سال جنگ

— جنگ در مطبوعات غرب — جنگ ایران و عراق در حالی وارد هفتمین سال خود شده است که هنوز چشم انداز روشنی برای خاتمه آن دیده نمی شود. مطبوعات غربی و مقامات آگاه به مسائل منطقه در غرب معترفند که این جنگ را راه حل نظامی ندارد. نیویورک تایمز در تحلیلی در باره حمله اخیر به کرکوک عراق، ادعای مبنی بر توانایی آن به مقابله با حملات آینده، هر چند رسیع باشد را قابل قبول دانسته، برای حملات ایران و باز شدن خطوط دفاعی مستحکم عراق در برخی مناطق بیشتر جنبه روانی قائل است. همین روزنامه در شمارهای دیگر از احتمال سقوط بصره و "تسخیر بغداد" و "گسترده شدن سایه خمینی بر بر فراز خلیج" سخن می گوید.

محافل خبری غرب همچنین نقش مهم فشار اقتصاد ناشی از ادامه جنگ در دو کشور و به ویژه اوضاع نابسامان اقتصادی عراق را خاطر نشان می سازند و آل استریت ژورنال در یکی از شماره های اخیر خود ضمن برآورد پدیه های خارجی عراق بین ۴۰ تا ۶۰ میلیارد دلار می نویسد. "عراق در هفتمین سال جنگ با ایران هر چه بیشتر در باتلاق گسترده ای از وام ها پی به بانکهای خارجی

در صفحات دیگر:

گوشه هایی از مصاحبه "تسوروز" با مجله آلمانی "اشپیکل"

کردهایی "مبارزان توده ای" در آتریش

برگزاری کنفرانس در برلین غربی

اخبار رسیده از ایران

پیرامون مذاکرات ریجکاوک

* گوریاچف: "آقای رئیس جمهور، ما نمی توانیم بفهمیم که چرا شما، مخلوق خودتان - راه حل صفر - را رد می کنید؟"

* ریگان: "از ابتدایی که من اینجا آمدم قصدی برای بستن قرارداد نداشتم."

دیدار مهم رئیس جمهور آمریکا و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی بر سر مسئله خلیج سلاح، روز ۱۴ اکتبر ۱۹۸۶ در ریجکاوک پایتخت ایسلند، به پایان رسید. این دیدار که برای جنبش جهانی صلح و نیروهای دموکراتیک جهان از اهمیت ویژه ای برخوردار بود، عملاً به نتیجه ای مثبت نیانجامید. با آنکه مباحثات در "فضای دوستانه ای" انجام گرفت، نتایج دوستانه ای به بار نیاورد.

آنچه که در دیدار ریجکاوک از اهمیت سیاسی ویژه ای برخوردار است و برای جنبش صلح قابل توجه است، مواضع جدید و سیاست خارجی تازه اتحاد شوروی است، برای دستیابی به صلح و جلوگیری از یک جنگ هسته ای. این سیاست در رابطه با تحولات اساسی در سیاست داخلی اتحاد شوروی برای دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی - اقتصادی کشور، در ریجکاوک نیز قابل لمس بود. اتحاد شوروی با پیشنهادات علنی و قابل اجرا، با ریگان روبرو گردید و رئیس جمهور آمریکا که بعنوان نماینده مجتمع نظامی - صنعتی امپریالیسم در دیدار ریجکاوک شرکت کرده بود، با دست خالی آمده، اما با سیاستی رسوا شده در برابرانظار جهانیان، که روند مذاکرات ریجکاوک را دنبال می کردند، بازگشت. محافل نظامی آمریکا، برای گریز از بحران صیق و همه جانبه اقتصادی - اجتماعی که ذاتی نظام سرمایه دار است، به سیاست خارجی جنگ طلبانه ای دست زده اند تا از این طریق بحرانی مشابه را به کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی، که به تمام عرصه های زندگی اجتماعی

پنجه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۳

هفتمین سال . . .

نیز می‌رود .^{۱۰} واشنگتن هست به بررسی سقوط احتمالی صدام پرداخته و آن را یک پیروزی برای ایران که خطر رشد جریان‌های بنیادگرا در منطقه را همراه دارد و باعث برهم خوردن ثبات منطقه می‌گردد ، ارزیابی نمود ماست .

مجله تایم نیز در شماره اول سپتامبر خود از چشم‌انداز ضعیف ولی بسیار جدی نفوذ بیشتر ایران در داخل عراق یاد می‌کند و به نعل از یکی از مقامات پیشین شورای امنیت ملی آمریکا می‌نویسد "عواقب پیروزی احتمالی ایران آن قدر بزرگ‌تر است که باید به دقت درباره آن پند پشم ."

جنگ و رژیم جمهوری اسلامی مقامات جمهوری اسلامی در حالی که هنوز سخن از حمله بزرگ و پرنامه استقرار یک میلیون نفر در مرز عراق دارند، از یک طرف به تعدیل سخنان خود درباره نقش این حمله پرداخته‌اند - مثلاً خاضعاً "حمله - نهایی" را به "ضرورت مؤثر" و رفسنجانی به "حمله سرنوشت‌ساز" تغییر داده - و از طرف دیگر از امکان صلح پس از حذف حزب بعث و یا صدام بحثی در صورتی که این نتیجه یک کودتای آمریکائی باشد سخن می‌گویند .

رفسنجانی که این مسئله را طرح کرده است در همانجا (اطلاعات ۸ شهریور ۶۵) می‌گوید: "اگر حزب بعث عراق کنار برود خیلی از مسائل حل می‌شود" و از رژیم آینده عراق چون مسئول جنگ نیست ما تنها خواهسته‌های دیگرمان را طلب می‌کنیم "رفسنجانی همچنین در سخنان اخیر خود در مجلس مخاطب به مجامع بی‌سن الطلی و قدرتهای خارجی می‌گوید: "بجای اینکه شانتاژ تبلیغاتی بکنید بیاورید با ما بنشینید حرف بزنید راه کفایت‌جواز را مشخص کنید مردم منطقه را از شر این تجاوز راحت کنید و ببینید با دادن حق و عدالت و حذف صدام از این منطقه منطقه آرام می‌شود" ، "ما در این مدت نشان دادیم که مه‌تعل داریم و هم بردباری داریم و کنترل بر پرنامه‌های خودمان داریم بی‌جهت حرکت‌های شتابزده نمی‌کنیم و امنیت منطقه را بیش از شما می‌خواهیم" ، "امید داریم دنیا با حذف صدام و نجات عراق ما را از شروع یک علیات وسیع که حتماً تلفات زیادی بدنبال خواهد داشت، قتی بلند ."

حمله به کرکوک

رفسنجانی و همچنین محسن رضائی ضمن تشریح علیات حمله به کرکوک آن را یک تحول دانستند. رفسنجانی گفت: "با همکاری صمیمانه‌ای که بین قرارگاه رمضان و اتحادیه میهن پرستان کردستان بوجود آمد و در عمل ما مطمئن شدیم که این همکاری در میدان رزم کامل" علی است این تحول شروع شد ."

رسانه‌های ج ۱۰ همچنین خبر کشته شدن ده تن افراد وابسته به سازمان مجاهدین خلق توسط واحد‌های اتحادیه میزور را که روزها پیش از علیات کرکوک توسط مجاهدین اعلام شد مربوط مربوط به این علیات وانمود کردند .

نامه گستاخانه بازگان به خمینی بازگان اخیراً در نامه‌ای به خمینی با صراحت تمام او را مسئول ادامه جنگ قلمداد کرده است . گستاخی "ولحن شد بد نامه او می‌تواند حاکی از همدلی بسیاری از سران رژیم با او در مورد لزوم پایان بخشیدن به جنگ باشد . خود بازگان در نامه‌اش به این نکته انگشت گذاشته و می‌گوید: "برای بسیاری از آقایان متعدد بان ، مقامات ، معتدین و نزدیکان جناح‌های عواقب هولناک و خائنانه براندازند اودام جنگ ، لاقط پیبوده و زیان بخش بودن آن ، روشن گردیده است" و تنها شما هستید که با لجاجت خواستار ادامه جنگید . وی همچنین از خمینی می‌خواهد تعین تکلیف جنگ را به عهده "نمایندگان واقعی ملت و شوراهایی دفاع طبق قانون اساسی" واگذارد .

ترکیه تلاش‌های نخواهد ماند وزیر امور خارجه ترکیه اخیراً در آمریکا با مقامات این کشور ملاقات‌هایی داشته است که از مهمترین مسائل مورد بحث آنها آینده جنگ ایران و عراق بوده است . وی در بازگشت در مصاحبه‌ای گفت "این کشور در آینده با احتمال اجرای نقش مهمی بهرامون این جنگ مواجه خواهد شد" همچنین چندی پیش راد یو لندن از قول یکی از مقامات وزارت خارجه ترکیه پس از ملاقات با شیخ الاسلام معاون وزارت خارجه ایران گزارش داده بود که "ترکیه صریحاً به ایران اطلاع داده است که به هیچ یک از دو کشور درگیر در جنگ اجازه نخواهد داد منافع حیاتی اقتصادی ترکیه را مورد خطر قرار دهند و اگر چنین شد ترکیه دیگر بعنوان تلاش‌های جنگ نخواهد بود" . لازم به تذکر است از منطقه نفتی کرکوک - که اخیراً مورد حمله کرد های عراقی با حمایت ایران قرار گرفت - توسط خط لوله نفتی بخش مهمی از نفت مورد نیاز ترکیه به قیمت ایزان تهیه می‌شود نیز پس از حمله شهریور ماه ترکیه به مواضع کرد های عراقی در شمال این کشور کدورت‌هایی بین دو دولت ترکیه و ایران بوجود آمده است .

سوریه از محدود متحدین ایران طلاس وزیر دفاع سوریه در مصاحبه‌ای با مجله آلمانی اشپگل (سپتامبر ۸۵) از حمله به مسئله جنگ ایران و عراق پرداخت و گفت "برای آنها (رژیم ایران) فقط صدام حسین مهم است ، که ما می‌خواهیم از شر او خلاص شویم" و همچنین در مورد خطر ایران برای کشورهای عربی منطقه گفت: "هیچ کشور عربی دیگر به این جنگ کشیده نخواهد شد در غیر این صورت ما موضع خود نسبت به این جنگ را تغییر خواهیم داد" او همچنین طت شکست کوشش های ملک حسین برای بهبود روابط سوریه و عراق را ، پافشاری عراق بر قطع روابط سوریه با ایران ذکر کرد .

نیروهای اپوزیسیون چپ ایران به ویژه از درجه اوضاع داخلی ایران به مسئله جنگ پرداخته‌اند - کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اعلامیه‌ای تحت عنوان "از قتل نام جدید جلوگیری کنیم" خطاب به "کاگران آگاه

بقیه در صفحه ۷

درگذشت محمد علی جعفری

هنرمند مردمی

در همراه امسال جامعه هنری ایران سوگوار شد . محمد علی جعفری هنرمند فرزانه و مبارزی که از دو رژیم دوزخی شاه و ملامان زخمهای جانگدازی بر تن داشت زندگی را وداع گفت . جعفری از سال ۱۳۲۲ که اوآن جوانی او بود به صحنه تئاتر دل بست و استعداد شگرفی در هنر نمایش از خود بروز داد .

پس از آشنائی با نوشین ، هنر زنده پرورش اودر بستر مبارزات انقلابی جوشید و شکوفا شد . جعفری در سالهای دراز سلطه ستم شاهی در زیر تیغ سانسور و اختناق پرچم تئاتر مبارز را افراشته نگاه داشت . پس از پیروزی انقلاب با پیش بصر و آگاه خود ، در مایان مرتجع و زهد فروش دشمنان سوگند خورده هنر پیشرو و مردمی را باز شناخت . حکام مصلان غافل نبودند که هنرمند آزموده و آبدید مای چون جعفری با زورگوئیهای سخیف و مبتذل آنان سرسازش نخواهند داشت . از اینرو نخست پای او را از صحنه تئاتر که آنهمه بدان عشق می‌ورزید ، بریدند و سرانجام در یورش اردیبهشت ماه ۶۲ به حزب توده ایران پیگر مردانیش را به سیاهچالهای خود کشاندند . جعفری دو سال تمام بدترین شکنجه های جسمی و روانی را تاب آورد و پس از آزادی تنها به این خشنود بود که با نیکامی و سربلندی باز آمده - است . درینا که او بهای پایداری و پاکدامنی خود را با جان خود پرداخت . جلادان مصلان برای سستن دامن آلوده خود از ننگ قتل او ، پس از گرفتن آخرین رفقای حیاتش او را آزاد ساختند ، غافل از آنکه مردم بر قاتلان واقعی جعفری و هزاران شهید انقلابی دیگر ، با خشم و نفرت بی پایان گواهی می دهند .

اختلافات . . .

یک دیگر از ویژگی های کشاکش های کنونی این است که هیچک از این جناحها ، مانند جناح بازگان و بنی صدر دارای یک رهبر تمام عیار خاص خود ، که با کنار زدن آن بتوان دست کم در ظاهر آن جناح را کنار زد نیستند . در عین حال هر دو رهبر خود را شخص خمینی میدانستند و خمین را از آن خود می شمارند . در واقع جناح - بندی کنونی "بیت امام" نیز بسط مییابد و شخص ایشان را نیز میان طرفین تقسیم میکند . در خاتمه کار معتقد است که اینبار بدلیل شکاف افتادن در خود "جبهه حزب الله" و با توجه به عمق وابعد آن ، بحرانی عمیقتر گریبان - گیر حکومت گشته است و خمینی مانند گذشته بسا جانبداری از یک جناح قادر نخواهد بود ، جناح دیگر را حذف کند . بدین ترتیب آنها (خمینی و ولیعهد وی) همچنان به مانور ادامه خواهند داد و در ورای وحدت ظاهری "حزب الله" شکاف عمیقتر و راه حل "احتمالی بحران زاتر" خواهد شد . (نشره کار شماره ۲۱ مهرماه ۶۵)

گوشه‌هایی از مصاحبه "تسوروز" با مجله آلمانی "اشپیکل"

مجله آلمانی "اشپیکل" در شماره ۸ سپتامبر ۱۹۸۱ خود مصاحبه‌ای با "ماتیاس تسوروز" دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان انجام داده است. ما نظریه اهمیت ماتیاس مطروحه در این مصاحبه، بخش‌هایی از آن را در اینجا می‌آوریم:

اشپیکل: آقای دبیر، آیا دوره جدیدی در راه‌های شرقی آغاز می‌شود؟ همانطور که خود شما با میل تأکید می‌کنید، میخائیل گورباچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی در سخنرانی خود طی بیست و هفتمین کنفرانس حزب، این حق را برای هر کشوری قایل شد که سوسیالیسم را طبق سلیقه خویش بسازد. آیا بدنبال دکترین معروف پروزنوف تحت عنوان "حق حاکمیت محدود" دولت‌های سوسیالیستی، در کترین گورباچف بنام "پلورالیسم محدود" می‌آید؟

تسوروز: دکترین‌های یاد شده از ابداعات مصنوعی و ترمینولوژی شماست. البته اینجا مصاحبه‌ای در جریان است که طی آن هر طرفی از موضع خود حرکت می‌کند و نه از یک توضیح یک جانبه. اما برگردیم به سؤال شما: من تأکید را مثل شما روی پلورالیسم نمی‌گذارم. برای من مهمترین واقعیت ساده است که تشخیص داده شده، که دو کشور سوسیالیستی کاملاً مشابه نمی‌تواند وجود داشته باشد.

اشپیکل: همینطور دو کشور مشابه سرمایه داری.

تسوروز: بله، این موضوع تشخیص داده شده است و طبیعی هم هست. دو انسان کاملاً مشابه هم وجود ندارد. هر شخصی توسط تأثیرات تاریخی و فردی خاصی شکل گرفته است. **اشپیکل:** اما پسین موضع از طرف اتحاد شوروی بمطابق نوعی دگراندیشی است. از وقایع سال ۱۹۵۳ در جمهوری دیمکراتیک آلمان گرفته تا رویدادهای سال ۱۹۶۸ در چکسلواکی، اتحاد شوروی در گذشته پیوسته تأکید نموده است که موضع خود را بمطابق تنها امکان موجود تحمل می‌نماید.

تسوروز: از آن زمان در جهان سوسیالیستی تغییرات مسلمی بوجود آمده است. گذشته یک موضوع است و موقعیت فعلی یک موضوع دیگر. امروز می‌توان دید که هر کشور سوسیالیستی چهره و ژوهای خود می‌گیرد و بطور همزمان روابط بین این کشورها مستتر می‌شود.

اشپیکل: بنابراین پلورالیسم؟

تسوروز: من با این فرمولبندی موافقم، که کشورهای سوسیالیستی بالغ شده‌اند. آنها خود را مستقل از بزرگیشان، دولت‌های دارای حق حاکمیت مستقل و در مرزهای اجتماعی-اقتصادی برابر حقوق می‌پندارند.

اشپیکل: مادام که در مسکو این موضع حاکم نیست که کیفیت حتماً نباید از کمیت حاصل شود، مجارستان فقط می‌تواند سود ببرد.

تسوروز: صحیح است. از کنفرانس ۲۷ به اینطرف، کوشش‌های ما و اتحاد شوروی نیرومندتر

از گذشته همخوانی دارند. به این مسئله باید این واقعیت را نیز افزود، که موقعیت مجارستان در میان کشورهای سوسیالیستی مناسب تر شده و شرایط همکاری مساعدتر گشته است.

اشپیکل: آقای تسوروز، شما از دگراندیشی در مسکو صحبت کردید. آیا تغییرات یاد شده بدین گورباچف محدود می‌شود؟

تسوروز: بدین تردید زمان تغییرات در اتحاد شوروی هم مثل سایر کشورهای سوسیالیستی رسیده است. اما من معتقدم که گورباچف و نهاد رهبری جمعی جدید اتحاد شوروی نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند.

اشپیکل: منظورتان از "رسیدن زمان تغییرات" بطور مشخص چیست؟

تسوروز: تقریباً تمام کشورهای سوسیالیستی به مرحله یک چرخش رسیده‌اند، یعنی به مرحله گذار به تکامل دایمی اقتصاد. بموازات آن یک روند بلوغ برای گسترش دگراندیشی در حال تکوین است. طبعا مسابقه جهانی بین کشورهای دارای نظام‌های گوناگون اجتماعی، روی این روند تأثیر شتاب بخشی می‌گذارد. این فاکتورها، رهبری شوروی را نیز به تغییرات رادیکال بسا هدف یک نوگرایی همه جانبه ترغیب می‌کنند. مسئله برسر این است که کار در هر زمینه و در تمام عرصه‌ها موثرتر انجام گیرد.

اشپیکل: خود شما اخیراً مقاله جالبی در مجله "بررسی مارکسیستی جهان" نوشته‌اید. طی این مقاله، شما فقط به حق هر کشوری برای انتخاب راه دلخواه به سوسیالیسم رضایت نداده‌اید، بلکه همچنین خواسته‌اید که حق مدل سوسیالیستی ویژه نیز در انتهای راه انتخاب شده، محفوظ باشد. اما آیا بنظر شما مسکو حاضر خواهد شد، که در مقابل مدل‌های مختلف سوسیالیسم انعطاف نشان دهد، مدل‌هایی که بعضی از آنها می‌توانند جذاب تر از مدل شوروی باشند؟

تسوروز: فکر می‌کنم سوفا همی پیش آمده است. من مسئله را اینطور می‌بینم: این یک روند دیالکتیکی است. از یکطرف برای ساختن سوسیالیسم قانونمند پهای عمومی وجود دارد و از طرف دیگر جامعه سوسیالیستی فقط می‌تواند با دینظر گرفتن ویژگی‌های هر کشور با موفقیت ساخته شود. این به این معنی است که مجموعه کشورهای سوسیالیستی غیرمغایب که در بین آنها نوعی روند نزدیکی در جریان است، چهره رنگارنگی به نمایش می‌گذارند و بدنبال راه‌های جدیدی می‌گردند. همه آنها در مقیاس‌های متفاوتی، اصلاحاتی را تحقق می‌بخشند.

اشپیکل: این فرمول دیالکتیکی سحرآمیز شما به این معنی است که در حال حاضر کوشش‌های مشترکی برای تکامل چندگونه وجود دارد؟

تسوروز: در مرحله کنونی تکامل - یک پیکار دیگر تأکید می‌کنم - مجموعه ما بی‌تردید الوان‌تر خواهد شد. به خود ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی و غیره توجهی بیش از آنچه تا بحال وجود داشت، می‌بذول خواهد شد.

اشپیکل: پس این به این معنی است که تک کشورهای سوسیالیستی گام به گام از هم فاصله خواهند گرفت و در خانه بسیار متفاوت به نظر خواهند آمد. رسیدن پس چطور یک انبوهه رنگارنگ می‌تواند یک مجموعه یا حتی یک بلوک تشکیل دهد؟

تسوروز: اتفاقاً درست چنین مفهومی نمی‌دهد، چرا که فرآیندهای بنیادین در شرایط وجود اختلافات در سطح، در مسیر نزدیکی و تخفیف چندگونگی‌ها سیر می‌کنند. کشورهای سوسیالیستی می‌دانند که به همدیگر نیازمندند. آنها همکاری خویش را تعمیق می‌بخشند، توجه نسبت به یکدیگر را افزایش می‌دهند و می‌کوشند بطور مستمتر از تجارت، موفقیت‌ها و دشواری‌های یکدیگر بیاموزند. در دراز مدت درجه تکامل اقتصادی آنها نیز با هم برابر خواهد شد.

اشپیکل: بنابراین هدف غایی، یک بلوک سرخ با سرزمین‌های پدری رنگارنگ خواهد بود؟ **تسوروز:** چرا که نه؟

اشپیکل: هنگامی که "ارپش هونگر" (رهبر جمهوری دیمکراتیک آلمان) در سال ۱۹۸۱ می‌خواست با سفر به بن روابط بین دو آلمان را تقویت کند، از طرف مسکو متوقف شد. حتی مجارها هم که "هونگر" را تأیید کرده بودند، مجبور شدند یاد بگیرند که در واقعیت داشته مانور سیاست خارجی یک متحد مسکو تا چه اندازه محدود است.

تسوروز: آنطور که شما می‌گویید مبالغه آمیز است. بهتر است از تحلیل وضعیت آنروز حرکت کنیم. علاوه بر این، امروز دو سال از آن زمان می‌گذرد.

اشپیکل: بعد از گذشت زمان امروز برای شما چنین دستوری غیرقابل تصور بنظر می‌رسد؟

تسوروز: حدود یکسال پیش در زمینه سیاست خارجی اتحاد شوروی تغییراتی بوجود آمد، که کنکوره مسکو آنها را مورد تأیید قرارداد. سه نکته در این رابطه از اهمیت زیاد برخوردار است: اول اینکه اتحاد شوروی از یک موضع جهانی که تحت تأثیر تضادهای سخت قرار دارد، حرکت می‌کند. دوم اینکه اتحاد شوروی به مسئله امنیت یا شیوه بنیاداً جدید و همه جانبه‌ای برخورد می‌کند؛ به این ترتیب که امنیت جهانی را در درجه اول با ابزار سیاسی و نه نظامی قابل تحکیم می‌داند. و سوم اینکه تأکید می‌کند که هر کشوری صرفنظر از مساحتش برای حفظ صلح جهانی و همکاری دارای مسئولیت است.

اشپیکل: شما برای سیاست خارجی هم "مدل مجارستان" را پیشنهاد می‌کنید؟

تسوروز: حتماً می‌دانید که ما با چنین فرمول - بندی موافق نیستیم. ما برای ساختن سوسیالیسم هیچ مدل اجباری و یگانگی را توصیه نمی‌کنیم. متأسفانه در روند تکامل سوسیالیسم در وانی وجود داشت که آن را "اتنیورسالیسم" می‌نامیدند، اما تاریخ آن را پشت سر گذاشته است.

اشپیکل : در گذشته در پالکان گفته می‌شد :
 "د ر یار ترک مرده است".
 تسویر : رفرمهای ما نتیجه مجموعه تجربیات
 مجارستان است - از دانستیهای ما نسبت به
 جمهوری شوراهای در سال ۱۹۱۹ گرفته تا پیمان
 اندازه از تجربیات ۴۰ ساله اخیر . شاید شما
 این را حمل بر خود ستایی نکنید که من از یک نمونه
 زنده ساختمان سوسیالیسم در مجارستان صحبت
 کنم .
 اشپیکل : نه ، ما این را ابداء خود ستایی
 نمی‌دانیم .

تسویر : می‌دانید چرا من اینطور صحبت
 می‌کنم ؟ برای اینکه راه مجارستان مورد موافقت
 غیر فعال خلق نیست ، بلکه بطور فعال از طرف
 خلق حمایت می‌شود . ما از این پابست احساس
 غرور می‌کنیم . این موضوع هم صحیح است که راه
 هر فردی ، تاثیر مشخصی هم بروی جمع می‌گذارد .
 از این زاویه می‌توان نقش محرک مجارستان را در
 جمع کشورهای سوسیالیستی مورد تاکید قرار داد .
 اما ما به هیچکس نمی‌گوییم که راه ما تنها راه
 ممکن است .

اشپیکل : گویا چف شما خود را طرفدار
 خصوصی کردن بخش خدمات در جمهوریهای
 بالتیکی شوروی ، طبق شیوه مجارستان اعلام نمود
 است . ژنرال یاروزلسکی حتی در لهستان بطور
 مشخص از "نمونه مجارستان" صحبت نموده
 است و بلغارها در کوششهای خود برای غیر-
 متمرکز نمودن صنعت ، سنگبری مجارستان را
 انتخاب نموده‌اند . این موضوع دیگر مدتهاست
 که راز پوشیده‌ای نیست .

تسویر : بنظر من جالب است که "اشپیکل"
 تاثیرات بین‌المللی تجربیات مجارستان را به این
 دقت دنبال می‌کند . می‌بینید ، این درست
 تفاوت بین ما مجارها و شماست . ما اینجا خود
 را روی این مسئله متمرکز نمی‌کنیم که آیا تجربیات
 ما در نقاط دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند یا نه .
 برای ما این کافیت که تبادل تجربیات بین
 کشورهای سوسیالیستی افزایش می‌یابد و ما بسا
 تعجب در می‌یابیم که اتفاقا اولین بار چینی‌ها
 بودند که بیش از همه از کاربرد تجربیات
 مجارستان صحبت کردند .

اشپیکل : آیا به هنگام چنین تبادل تجربه -
 ای برای شما این تصور پیش نیامده است که
 همایگان سوسیالیستی شما از جمهوری خلق
 مجارستان بعنوان "سگ مین باب" استفاده می -
 کنند ؟ آنها مجارستان را لگله‌ها به جلبیبو
 می‌فرستند تا خطرات و ریسکهای یک راه جدید را
 کشف کنند ، اگر راه خوبی بود همه بدنیالشی
 روان می‌شوند و اگر نه یک تشییع جنازه آبرو شد
 برای برکنار می‌کنند و شاید آن را هم نکنند ؟

تسویر : نه ! این موضوع اصلا مطرح
 نیست . حتی کشورهای سرمایه‌داری هم اینطور
 خود خواهانه با هم رفتار نمی‌کنند . برای کشورها
 سوسیالیستی اصولا چنین شیوه تفکری بیگانه
 است . آنها علاقایی ندارند که کسی را قربانی
 کنند ، برعکس برای آنها بنیادهای مشترک و محکم
 اهمیت دارد . برای مثال بحران عمیق اجتماعی ،
 سیاسی و اقتصادی لهستان ، همسنگی و کمک

کشورهای سوسیالیستی را به همراه داشت .
 اشپیکل : اینطور که بنظر می‌رسد ، آزمایش
 مجارستان در وضعیت نامساعدی بسر می‌برد و
 درست در زمانی که دیگر کشورهای سوسیالیستی
 می‌خواهند از بخشهای مهمی از آن کپی برداری
 کنند ، کورس اصلاحی شما به بن بست رسیده است .
 مجارستان تقریبا ۲۰ میلیارد دلار در بیرون
 دارد ، بطور سرانه حتی پیش از لهستان و رومانی .
 تجارت خارجی پویایی خود را از دست داده و
 درآمد ملی پس رفته است . قیمت افزایش
 یافته‌اند و درآمد واقعی کارگران در پنج سال اخیر
 ۴/۵ درصد تنزل یافته است . ما در غرب بسا
 نگرانی از خود می‌پرسیم ، که آیا مدل اقتصادی
 مجارستان به مزه‌های مشروط به سیستم خود
 رسیده است ؟

تسویر : اولاً در مقیاس دشواریهای ما
 عراق می‌شود . بنیادهای اقتصادی مجارستان
 محکمند . بطور همزمان ما در مقابل معضلات
 اقتصادی قرار داریم . تنها انفجار قیمت نفت
 در سال ۱۹۷۳ و پیاد و خامت ناشی از آن به
 نظر برخی از کارشناسان ملی ده سال زبانهایی
 بیش از دوران جنگ جهانی به ما وارد کرد . با
 این حال ما توانستیم توانایی پرداخت خود را
 حفظ کنیم و این در حالیکه کشورهای از نظر
 اقتصادی نیرومند تر مجبور به درخواست به تعویق
 انداختن زمان پرداخت قروض خود شدند .

اشپیکل : دلیل واقعی برای معضلات
 اقتصادی در این است که رژیم جرئت دست زدن
 به آن اقدامات سیاسی را ندارد که اقتصاد بطور
 مبرم به آن نیازمند است . برای مثال جرئت
 ندارد مزد را بر اساس بازده کار تقسیم کند تا
 بدینوسیله سرعت کم کار را شتاب بخشد . تزهایی
 مارکسیستی "برابری" در مقابل این کار قسار
 دارند .

تسویر : البته که ما مزدها را بر اساس
 بازده کار می‌پردازیم . از نظر سیاسی پایه‌های
 تداوم رفرمهای اقتصادی ریخته شده است . ما

استعفای رفیق اکبر شاندزمنی از . . .

در سیاهچالهای خمینی ، در برابر همه
 رزمندگان راستین جنبش کمونیستی ایران در هر
 سازمان و به هر نامی می‌رزمند و یقین دارم که
 این نیروهای جوشان جدا جدای امروزی در
 فردایی نه چندان دور دوشید و شهم قرار
 گرفته در صف یکپارچه همچون کوهی آتشفشان
 هستی جو و ستم هزار ساله را ، همراه همه
 ناپاکان در هم پیچیده به خاکستر سیاه مبدل
 خواهند ساخت و کشتی انقلاب ایران را به اتفاق
 هدایت خواهند کرد ، به گناه خود گردن می‌نهم ،
 که بر اساس یک تصور غلط ، تصور اینکه وجدان
 انقلابی این گروه بیدار خواهد شد و از این پس
 نیروی خویش را در راه احیاء حزب بکار خواهند
 بست ، در گرد همایی معروف به "پلنوم هجدهم"
 سکوت اختیار کردم و پس از آن صادقانه بدت
 دو سال و نیم در انتظار شستم بر "پلنوم ۱۹"
 با آنکه بعنوان اعتراض به تشکیل "کنفرانس ملی"
 از عضویت کمیته مرکزی استعفا کردم و لوسی در

کمبود شهادت نداریم . راهی که ما می‌پیماییم
 کاملاً جدید است . ما آزمایش می‌کنیم و از حالا
 نمی‌توانیم پیش بینی کنیم ، چطور می‌توان این کار
 را کرد ؟ هدف این رفرمها اینست که جامعه
 سوسیالیستی را در وضعیتی قرار دهد که دست
 به نوگرایی بزند . طبیعی است که این همیچ
 روند دیگری نیست .

اشپیکل : نه تنها در بوداپست بلکه همه
 جا صحبت از مبارزه ایدئولوژیک درون نهاد
 رهبری مجارستان است . صحبت از وجود دو
 فراکسیون است ، که یکی خواهان شتاب بخشیدن
 به رفرمها و دیگری خواهان ترمز کردن آنهاست .
 در خاتمه کدام غلبه خواهند کرد ؟

تسویر : در نهاد های رهبری در مورد
 تداوم روند اصلاحات ، وحدت نظر موجود است .
 از این زاویه مبارزه فراکسیونی وجود ندارد . اما
 در کشورهای سوسیالیستی هم سیاست توسط
 انسانها اعمال می‌شود و انسانها متفاوتند .
 امروز شیوه تفکر تازه‌ای برای سیاست داخلی ،
 سیاست اقتصادی و سیاست جهانی مورد نیاز
 است . به بیان دیگر چیزی مثل یک نوع تغییر
 نسل ضروری است .

اشپیکل : نظرتان را جمع به جانشین "پانوش
 کادار" چیست ؟

تسویر : شما باید بدانید که مسئله آماده
 کردن جانشین برای احزاب کمونیست بیگانه
 است .

اشپیکل : اما نهوتیسم و راه حلپسای
 دودمانی برای همه احزاب کمونیست بیگانه
 نیست . مثلا نیکلای چاوشسکو در رومانی هم
 کار می‌کند تا جانشینش از خانواده خود شتابد .
 تسویر : ما در این زمینه هم راه خود مان
 را می‌رویم . ما دارای رهبری جمعی هستیم و
 این جمع باید قادر باشد که بموقع لازم برای تداوم
 سیاست خود آماده باشد ، هر روش دیگری
 غیر دموکراتیک است .

اشپیکل : آقای دبیر ، از مصاحبه شما
 متشکرم ●

جلسات "کنفرانس" آنچنان که باید و وظیفه
 یک عضو پر سابقه بدانند من بود ، قاطعیت به
 خرج ندادم و افشاگری را بناسبت همان تصور
 غلط تا به آخر نرساندم ، خود را در برابر حزم
 گناهکار می‌دانم . رفقا ، کسانی که با معتقدات
 و مقدسات حزبی ، با هم مسلکان و هم سنگران
 چنین رفتار دارند ، در فردای انقلاب با خلقهای
 ستدیده و وطنان چه‌ها خواهند کرد
 . . . هیچ بعید نیست باز با یک دست بسالو
 پایین بردن مرا هم به اصطلاح "معلق" سازند ،
 ولی راه مرا نخواهند توانست سد کرد . راهی
 که متعلق به آینده است ، نه به صاحبان
 مغزهای منجمدی که دیگر امید به بهبود شان
 نیست .

ما مطالعه این سند افشاگر و آموزنده را
 به همه رفقا و بهر چه به خوشبوارانی که هنوز
 حساب خود را از دستگاه اپورتونیست و فاسد
 رهبری فعلی حزب توده ایران جدا نکرد مانده ،
 توصیه می‌کنیم ●

استعفای رفیق اکبر شاند رمنی از هیئت سیاسی کمیته مرکزی

حزب توده ایران

جدیدترین سند افشاگرانه، علیه شیوه‌های ضدلیننی و ضد دموکراتیک گردانندگان کنونی حزب توده ایران، متن استعفانامه رفیق اکبر شاند رمنی از عضویت هیئت سیاسی کمیته مرکزی است. این سند افشاگر جدیدترین زد و بند ها و سره‌بندی ها حول و حوش پلنوم ۱۹ و کنفرانس ملی و پارادایم‌های پسر این واقعیت است، که چاره اندیشی‌های گردانندگان حزب برای فرار از پاسخگویی به مسائل درون حزب و بحران ناشی از عملکرد اپورتونیسم ریشه دار سیاسی و تشکیلاتی و شکست تلخ و مصیبت بار مشی غیرانقلابی حزب، حتی بطور موقت و گذرا نیز موثر نبوده‌اند.

رفیق بابک امیرخسروی، طی مقدمه کوتاهی بر متن این استعفانامه از جمله می‌نویسد:

"از جمله نقشه‌های مژورانه‌ای که گردانندگان کنونی حزب توده ایران برای موجه جلوه دادن "رهبری" و رنگ و روغن زدن به آن اندیشیده بودند، یکی هم گرد آوردن برخی از اعضای سرشناس و پاکدامن کمیته مرکزی و حزب بود. شاه بیت این نقشه‌ها، "انتخاب" رفیق اکبر شاند رمنی از بازماندگان بسیار ناد رگسز ۵۲ نفر، از پایه گذاران حزب توده ایران و تنها عضو بازمانده منتخب کنگره دوم است، که بیش از نیم قرن از عمر خود را صادقانه و بی‌پیرایه وقف آرمانهای طبقه کارگر نموده است و در میان کادرهای حزبی به پاکدامنی و پایبندی به اصول شهرت داشته است."

رفیق شاند رمنی، پس از ذکر توضیحاتی در رابطه با شرکت خود در "کنفرانس ملی" با اشاره به گوشه‌هایی از عملکرد ضد دموکراتیک گردانندگان فعلی حزب، "کنفرانس ملی" را بعنوان یک "توطئه آشکار ضد حزبی" ارزیابی کرده و می‌نویسد:

"تاریخ توطئه‌های درون حزبی بسیار طولانی است و رنگارنگ، که تاریخ توطئه‌های علیه جنبش کمونیستی و کارگری و جنبش‌های بخش ملی ایران هم هست. لذا تاریخ این توطئه از دیرباز و پار و پیرا سال، دور و بسیار دورتر است. من در اینجا پیرآن نیست همه بازیهای پشت پرده و صحنه آرای‌هایی که پس از هجوم ددمنشانه آخوندها شده، توضیح دهم، که آن به جلسه دیگر، وسیعتر و حوصله بیشتری احتیاج دارد."

رفیق شاند رمنی، ضمن اشاره به زد و بند های گردانندگان پلنوم ۱۸ و اینکه "در آن پلنوم عادی ترین و ابتدایی ترین مراسم جلسات نظیر نیز رعایت نشد"، اضافه می‌کند: "با همه این احوال فقط و فقط بخاطر اینکه در آن هنگام ندای حزب، به هر شکل و وسیله و حتی به هر قیمتی به گوش مبارزانمان در ایران برسد، همه این خلافت‌ها را از طرف همه معترضین گذشت نادیده گرفته شد. باری دیگر در تجربه‌های کردید، که عدم مقاومت در برابر اصول شکنجه‌ها، اصول شکنان را جری‌تر و گستاخ‌تر می‌سازد، که

در نتیجه زبانهای چیران ناپذیری به حزب و طبقه کارگر وارد می‌آورد."

متن استعفانامه رفیق شاند رمنی حاوی جدیدترین خبرها از ادامه شیوه‌های سرود و غیر دموکراتیک حیزداری گردانندگان کنونی حزب در "پلنوم ۱۹" و کنفرانس به اصطلاح ملی است: "شما رفتایی که در جلسه به اصطلاح ریش سفیدان حضور داشتید و قرار بود کاندیداهایی برای عضویت اصلی و مشاوره تعیین گردد و به کنفرانس پیشنهاد بشود، آن منظره را بخاطر بیاورید، که دلالان بازارهای ایران را تداعی می‌کرد. آنها لیست اسامی افراد را از سه چهارراه پیشتر آماده کرده بودند که تعدادشان از هشتاد نام تجاوز می‌کرد و اکثر آنها اسمهای کوچک مانند حسن و حسین و تقی، آنها مستعار بود، عرضه کردند، بی آنکه لااقل سابق و مسئولیت و درجه‌های حزیشان را برشانند و قرار شده بود که اقل در کنفرانس بی نشان دادن محل مسئولیت، درجات حزیشان را شرح دهند، که این کار را نکردند و آن لیست معروف را بر همه تحویل کردند و بیش از ۶۰ نفر را با اصطلاح از رای گذراندند."

یا در جای دیگر آمده است: "پاری این رفقا توانستند با چار و چال و قهر و آشتی و حتی غش و ضعف طبیعی و ساختگی و جنگ زرگریها، اسامی افراد مورد نظرشان را در آن لیست بگنجانند، که در میان آنها کسی به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شد، که در ایران طبق خواست دادرستانی آخوندها، به کادرها و افراد دستور داده بود، خود را به سپاه پاسداران معرفی کنند و باز کسی دیگر را در آن لیست گنجاندند که با آنکه مسئولیت سازمان های ایالتی را به عهده داشت، در همان یورش اول به سراسر سازمانها ابلاغ داد که حزب منحل شده و دیگر وجود ندارد و پراکنده شوند. اینها دو نفری هستند که من می‌شناسم و چه بسا که از این قبیل بازهم در آن میان باشند."

رفیق شاند رمنی در خاتمه ضمن توضیح علل دوری خود از گردانندگان فعلی حزب هشدار می‌دهد که:

"چنین است مختصری از ظل فراوان، که مرا به دوری از این گروه وامی‌دارد. تجربه آینده بشما نشان خواهد داد که ایمنان از توطئه‌های ضد حزب توده ایران دست بردار نیستند. اینها به کار صادقانه حزبی عادت ندارند و سالیان درازی است به آن خو گرفته‌اند تا جایی که دیگر قبح آن را هم درک و احساس نمی‌کنند. این شیوه عمل، به صداقت گفته معروف: "با شیراندره شده، با جان به در شود."

رفیق شاند رمنی استعفانامه خود را با پیام زیر خطاب به توده‌های حزبی به پایان می‌برد:

"رفقا، من در اینجا در پیشگاه حزب، در برابر شهدای حزب، در برابر شکنجه شوندگان حزب بقیه در صفحه ۵

برگزاری کنفرانس در برلین غربی

روزهای ۲۷ و ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۱، کنفرانسی با شرکت نمایندگان منتخب و جمعی از کادرها و اعضای انضامی حزب توده ایران در برلین غربی برگزار شد.

کنفرانس با یک دقیقه سکوت خاطره شهدای حزب و جنبش را گرامی داشت و بدنیال آن گزارش کمیته شهری سابق واحد حزب توده ایران در برلین غربی به استماع شرکت کنندگان در کنفرانس رسید و پس از بحث و تبادل نظر پیرامون مفاد آن، مورد تصویب کنفرانس شهری واقع گردید.

کنفرانس شهری ضمن بحث همه جانبه پیرامون بحران تمام عیار حزب توده ایران، لزوم مرزبندی روشن تشکیلاتی با اپورتونیسم ریشه دار و نهادی شده در دستگاه رهبری حزب را مورد تأکید قرار داد و تصویب نمود که فعالتهای اعضای منحل حزب در برلین غربی تا مرحله جدیدتر، تحت عنوان "جنبش توده‌ایهای مبارز" صورت پذیرد.

کنفرانس شهری برلین غربی جهت هماهنگی نمودن فعالتهای توده‌ایهای مبارز، این شهر، با رای مخفی اقدام به انتخاب یک کمیته شهری نمود.

طبق قرار کنفرانس شهری، از این پس سلسله جلسات بحثی بصورت سیمینارهای بی در پی برگزار خواهد گردید، که کار آنها تدقیق یکسری مقولات و مظاهر اساسی مورد بحث و تدوین هر چه سرعتر مباحث ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی توده‌ایهای مبارز برلین غربی بشما به بخشی از حرکت عمومی و فراگیر همه اعضا و کادرهای مبارز حزب توده ایران و در خدمت این حرکت خواهد بود.

گردهمایی "مبارزان توده‌ای" در اتریش

"مبارزان توده‌ای - منحل از تشکیلات حزب توده ایران در اتریش" طی اعلامیه‌ای بتاريخ مهرماه ۱۳۶۵ (اکتبر ۱۹۸۱) دلایل انفعال و تصمیم خود برای ادامه مبارزه در جهت "وحدت رزمده گردان های پشاهنگ طبقه کارگر ایران" را اعلام داشتند. در قسمت هائی از این اعلامیه میخوانیم:

"اکتوبان انبوهی از تأسف و اندوه، ناچار به انفصال از تشکیلاتی می گردیم که نه اعتراف به انحراف از موازین حزب طبقه کارگر، لااقل در دوران پس از انقلاب بهمین دارد و نه با نمایش کنفرانس ملی گستاخانه اش، جای امید باقی میگذارد که در آینده، تبلور مبارزات دینی، حزب توده ایران را به مسیر مبارزاتی ترک کرده خوشباز گرداند."

"ما معتقدیم، در این مراحل پهنرنگ و تکوینی، انفصال و مرزبندی قاطع ما با سیاستهای اپورتونیستی، تشکیلات منجمد بورژوازیستیک و رهبری عاجز و بی اعتبار مولود کنفرانس ملی، مبارزه را وارد مراحل غالبیتی از شکل و ضمیم می‌سازد که نه تنها نیاز مبرم درجه رشد جنبش کمونیستی ایران است، بلکه خود، جز محصول و نتیجه منطقی سطح کنونی آن، نیست."

هفتمین سال...

ایران می نویسد " راه نجات کارگران از وضع دشوار کنونی به مبارزه یکپارچه طبقه جنگ و رژیم خمینی است در این میان کارگران تنها نیستند ، جز خمینی و اهادی او ، جز ششی تاجر و سرمایه دار غارتگر ، همه خواهان قطع جنگ هستند " و از آنان می خواهد صلح را در رأس مطالبات خود قرار دهند و در پهن دیگری از این اعلامیه گفته می شود " در صورت عمل متحد نیروهای انقلابی و مترقی " چشم انداز صلح اینچنین تیره نبود و خمینی هرگز نمی توانست اینچنین جنگ را ادامه دهد .

ساکنین ، نشریه دیگر وابسته به این سازمان هدف غریب از " تبلیغات کاذب در باره توان نظامی رژیم خمینی " را توجیه افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه می داند . این نشریه ضمن اشاره به گفته کسینجر که گفته است " تنها جنبه منفی این موقعیت (ادامه جنگ) آن است که تنها یکی از دو طرف بازنده خواهد بود " و گفته یکی از مقامات رژیم اسرائیل که آرزوی ادامه جنگ برای ۳۰ سال دیگر را کرده است ، ادامه جنگ را در خدمت منافع امپریالیزم دانسته و از جمله معتقد است صادرات اسلحه به ایران و عراق با آگاهی و موافقت کامل دولت های امپریالیستی صورت می پذیرد .

لازم به تذکر است که ریحارد مورفی فرستاده آمریکا در خاورمیانه اخیراً گفته است ، آمریکا همه سعی خود را برای جلوگیری از صادرات اسلحه از طریق متحد پش به ایران کرده است . دکتر عبدالرحمن قاسطو رهبر حزب دمکرات کردستان ایران در صحابهایی با لیبرالین ضمن اشاره به اوضاع ناپسایمان داخلی ایران و اینکه " ما شاهدیم که روحیه نیروهای رژیم به پائین ترین حد خود رسیده است " می گوید " آنها به يك پیروزی بزرگ احتیاج دارند شاید او بتواند امتیازاتی بدست آورد ولی من باور نمی کنم که او قدرت از پای در آوردن عراق را داشته باشد البته او این فرض را منتفی هم نمی داند او معتقد است مسئله جنگ ، وضع اقتصادی و مخالفت روزافزون مردم ، رژیم را وادار به قبول صلح با عراق خواهد نمود " ولی تا زمانیکه خمینی بپرسند قدرت باقی بماند این فرض چندان محتمل نیست " وی هدف حمله های رژیم را پیروزی مرحله ای که با آن بتوان " زمینه را برای ادامه جنگ در سالهای آینده فراهم نمود " می داند .

کار ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق (اطیبت) در بررسی توازن قوای بین الطلی که معتقد است از جمله بدین طت جنگ به بن بست رسیده است ، می نویسد " کشورهای سوسیالیستی نیز از همان آغاز جنگ نه خواهان پیروزی یکی از طرفین و نه خواهان ادامه جنگ بودند ، چرا که این به نفع امپریالیسم است . این نشریه در بررسی مواضع اپوزیسیون داخلی ضمن ارتجاعی دانستن جنگ حتی در موقع اشغال بخشی از خاک ایران توسط نیروهای رژیم عراق می نویسد " بار دیگر طبق وسیعی از

لیبرالها ، اکثریت ، حزب توده ، مجاهدین و راه کارگر که قبلاً " همگی برای دفاع از نظم بورژوازی حاکم ، شعار جنگ میهنی و دفاع از میهن را سر می دادند ، با شعار صلح به میدان آمدند " .

این نشریه صلحی را که این نیروها می خواهند صلح طبقات حاکمه که " چیزی نیست جز ادامه همان سیاست با توجه به تغییرات صورت گرفته در توازن نیروهای ایران و عراق ، داشتند و هدف آن را " جز غریب کارگران و زحمتکشان ایران " نمی داند . این نشریه هدف خود را صلح دمکراتیک که بنظر او " جز از طریق قیام مسلحانه توده های مردم ایران و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی میسر نیست " اعلام می کند و خطاب به راه کارگر می گوید :

" شعار زنده باد انقلاب در حین جنگ ارتجاعی کنونی ، شعار تبدیلی جنگ به جنگ داخلی است " و می نویسد " راه کارگر که از مردم می خواهد صلح را به رژیم تحمیل کنند در واقع شعار مرگ بر انقلاب و زنده باد صلح طبقاتی را سر داده است " .

راه کارگر ارگان سازمان انقلابی ایران ، گفته لنین را که اقلیت در کوپیدن او به کار گرفته است ، بر طبق بورژوازی لیبرال به کار می گیرد و در رد صلح خواهی آنها می گوید " آن کسی که صلح می خواهد باید برای جنگ داخلی و سرنگونی رژیم آماده شود " اما این نشریه " پایان این جنگ مشخص ایران و عراق را ضرورتاً " منوط به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ازبایی " نمی کند این نشریه اقتصاد جنگی را به سود " لایه ممتاز روحانیت حاکم تجار و بعضی اقشار کاسب می داند " در همین حال معتقد است بورژوازی تجاری و نیز بورژوازی لیبرال " خواهان برقراری صلح فاتح با دولت عراق می باشد ، و این را در مورد لیبرال ها بویژه ناشی از هراس آنها از " بر خاستن يك انقلاب در نتیجه تداوم جنگ " می باشد . این نشریه معتقد است رژیم با سوء استفاده از صلح طلبی مردم " یکسره کردن کار جنگ " را مطرح می کند و می نویسد " ما در مقابل با این مانور رژیم با پستی شعار تبدیلی جنگ ارتجاعی به جنگ برای آزادی و سوسیالیسم را مطرح کنیم و به توده ها توضیح دهیم که تداوم این جنگ محصول موجودیت جمهوری اسلامی است و حتی اگر این جنگ نیز پایان یابد ، به جنگهای دیگری دست خواهد زد " شعار راه کارگر برای قطع فوری جنگ و برقراری صلح ، " زنده باد صلح و زنده باد انقلاب است " .

مردم ارگان کمیته مرکزی حزب توده ایران در مقالهای به مناسبت هفته جنگ ، جنگ را عامل مهم مسخ انقلاب دانسته و می نویسد " رژیم ج . ا . که ادامه حیات خود را در گرو ادامه جنگ می بیند ، سیاست نظامی کردن حیات اقتصادی و اجتماعی میهن ما را در پیش گرفته است " در این مقاله در ضمن رهنمود های مشخص به اقشار مختلف برای مبارزه طبقه جنگ

می نویسد " در شرایط کنونی مبارزه برای صلح ، عاجل ترین وظیفه ملی و میهنی است تنها با يك جنبش صومی و سراسری می توان به این جنگ پریاده پایان بخشید " و می خواهد که " متحد شویم و به این جنگ خانمانسوز و حیات رژیم ارتجاعی پایان دهیم " در این مقاله همچنین ادعا می شود " حزب ما در این مدت (پس از آزاد سازی خرمشهر و دفع تجاوز دشمن) از هیچ اندامی در جهت افشای سیاست های ارتجاعی و امپریالیستی خواهان ادامه جنگ و پیسج توده ها در راه برقراری صلح فروگذار نکرد ماست " .

فدایی ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران ، در شماره های مکرر خود ضمن هشدار نسبت به کشتار قریبالوقوع در صلح حمله بزرگ آتی ایران ، معتقد است قدرت گیری پهران اقتصادی ، گسترش نارضانی و کشمکشهای رژیم " بهم رژیم را از تداوم بن بست جنگ " که فدایی معتقد است بعد از فتح خرمشهر بوجود آمده افزایش داده است . از طرفی رژیم می خواهد " این کبیله (سلجق) را با تکیه مجدد بر تاتشیک امواج انسانی جبران کند " این نشریه با ذکر اینکه " رژیم ، از سال ۶۱ تا کنون ۱۲ بار دست به حملات سرزشت ساز و نهایی زد ماست " می نویسد " رژیم به سختی در این بن بست فرساییده گرفتار آمده است " وی تاتشیک " بر سر عقل آوردن استکبار جهانی " برای پذیرش " حذف " یا " برکتاری " رژیم عراق را در کنار تهدید و تحریک کشورهای حامی عراق در منطقه مکل " حملات مکرر و چون اساساً برای تغییر تعادل قوا در جبهه ها از سوی رژیم می داند . این نشریه ضمن دادن رهنمود هایی برای مبارزه در راه صلح " تشکیل هسته های مخفی ضد جنگ " را برای سازماندهی و گسترش مبارزه صلح طلبانه توده ها پیشنهاد می دهد ●

اخبار رسیده از ...

اخیراً " جزوئی حای وصیت نامه سیاسی مظهر بقائی " به دستمان رسیده است که از هر جهت قابل توجه است . نگاهی گذرا به مندرجات این وصیت نامه نشان دهنده این امر مهم است که تا چه حد باند مظهر بقائی در حکومت نقش و در تمین سیاست حاکمیت فعال بود ماست .

طیلم فرار مظهر بقائی (احتلال " بعد از - سخنان خمینی) اعضا سابق حزب زحمتکشان میدان آیت الله کاشانی و پاند موسوم به رسالت که در ارتباط تنگاتنگ و پلاترید با بقائی قرار داشتند ، همچنان نقش فعال در حاکمیت را برعهده دارند ●

اخبار رسیده از ایران

• مقاومت مردم شدت می گیرد •
رزم ارتجاعی خمینی در پی انهدام تولید داخلی و ارائه سیاست جنگ افروزان، روزه روز فشار طاقت فرسای اقتصادی خود را بر زحمتکشان میهن ما شدت می بخشد. کمبود بی سابقه مایحتاج عمومی بهورگی و مواد غذایی بالاس، نان، گوشت، روغن، برنج و افزایش قیمت آن در بازار سیاه ساخته و پرداخته سرمایه داران حاکم عرصه زندگی را بر مردم بلا دیده تنگ کرده است. به موازات اینگونه تضيیقات، شاهد افزایش و اوجگیری مقاومت و ایستادگی مردم، جهت احقاق حقوق خود در اراضی نقاط ایران هستیم. طبق اخباری که پدستان رسیده است زحمتکشان میهن مان در مقابل اینگونه فشارهای طاقت فرسا به مقابله پرمی خیزد.

۱ - زحمتکشان منطقه ترك آباد كرج، پس از ساعتها انتظار برای دریافت برنج و بعد از اینکه از جانب اداره کنندگان شرکت موسوم به تعاونی، به آنان گفته می شود "بروید، بعداً بیاید"، فعلاً "برنجی دهیم" یا خشم و کینه به شرکت فوق الذکر حطوور شده و درو پیکر تعاونی را در هم می شکندند. آنان سپس به انبار رفته و کله مواد غذایی موجود در آن را به تصرف خود در می آورند.

مردم ترك آباد بعد از این اقدام شهروانه بلافاصله محل را ترك کرده و متفرق میشوند. این واقعه روز شنبه ۷ مهرماه جاری اتفاق افتاده است.

۲ - اداره آب و برق سنان قیوآب و برق دو ماهه مردم را تا قریب به سیصد درصد (۳ برابر) افزایش میدهد. همچنین مهلت پرداخت آن را دو روزه اعلام کرده و از مردم میخواهند سرمایه نسبت به پرداخت مبالغ آب و برق خود، اقدام نمایند. این امر بویژه باعث خشم و کینه مناطق محروم آن شهر شد و زحمتکشان به يك اقدام دسته جمعی دست میزنند.

۳ - روز ۲ مهرماه، کارگران و آوارگان جنگی ساکن مناطق موسوم به "کهنه دژ" و "شاهجوق" (که از مناطق بغایت محروم و تحت ستم میباشند) مشترکاً به محل آب و برق واقع در خیابان خمینی هجوم برده و بعد از ۳ ساعت تجمع در محفل اداره مذکور، سرانجام مسئولین اداره مربوطه را وادار به پس گرفتن قبوض خود و تسلیم در مقابل خواست خود میکنند.

بقیه در صفحه ۷

به وجود چنین سیستمی باور دارند "اگهان اشتباهات بسیاری را در این پروژه به حساب می آورند". بنابراین تنها راه برای تحقق بخشیدن به برنامه جنگ ستارگان "افزایش موشکهای بین قارای" است. به عقیده کارشنا - سان مایل نظامی، این تنها راه حل آمریکا برای دستیابی به يك چنین سیستم دفاعی است. راه حل دیگری که هم قابل اجراست و همسم از پشتیبانی وسیع جنبش صلح و نیروهای دکرارتیک برخوردار است، پیشنهادات گوریا چف است، برآ از میان بردن سلاحهای دوربرد و میان برد. تعجب آور نیست که ریگان به پیشنهادات شوروی چنین پاسخ دهد که: "از ابتدایی که من اینجا آدم، قصدی برای بستن قرارداد ندا شتم"، زیرا قبول چنین پیشنهاداتی خود بخود به معنای نفی برنامه های جنگ ستارگان است؛ چیزی که با منافع مجتمع نظامی - صنعتی آمریکا در تضاد آشکار است. از آنجایی که این مجتمع تصمیم گیرنده اصلی است، گوریا چف در صاحبه تلوزیونی خود پس از پایان دیدار ریکجاویك گفت: "رئیس جمهور، آزادی نداشت که تصمیمات مناسب بگیرد".

پیش از آنکه این دیدار بر سر پروژه جنگ ستارگان به شکست بیانجامد، ریگان با این پیشنهادات شوروی توافق داشت:

۱ - موشکهای دوربرد؛ توافق شد که هر دو کشور در مدت ۵ سال، ۵۰ درصد از موشکهای دوربرد خود را کاهش دهند و در ۵ سال دوم، بازمانده این سلاحها را از میان ببرند.

۲ - موشکهای میان برد؛ توافق شد که تمام موشکهای میان برد آمریکا و شوروی در اروپا برچیده شوند. اتحاد شوروی مجاز است که صد عدد از سلاحها را در آنسوی اورال مستقر گرداند و ایالات متحده نیز به همین تعداد در منطقه خود.

۳ - آزمایشهای هسته ای؛ در مرحله اول می بایستی کنکره آمریکا توافقهای موجود را تاکید کند و دیگر اینکه می باید مذاکراتی به وقوع بپیوندد که چگونگی کنترل این توافقها را روشن کند.

اینکه نمایندگان دولت آمریکا از خود ارادگی برای بستن قرارداد منع استفاده و تولید سلاحهای هسته ای نداشتند، روشن است؛ مجتمع نظامی - صنعتی در شرایط تهاجم بحران سرمایه بین المللی تن به خلع سلاح نمیدهد. جنبش جهانی صلح برای آرامش و تنش زدایی در زندگی اجتماعی، در راه خلع سلاح مبارزه می کند؛ از این رو مبارزه در راه صلح، جلوهای از مبارزه طبقاتی است.

دیدار ریکجاویك همچنین نشان داد که چشم انداز دستیابی به صلح، از آنجایی که خواست وسیع توده های مردم در کشورهای مختلف می باشد، امید بر انگیز است.

پیرامون مذاکرات

با سیاستی نوین کام گذارده است، تحمیل نمایند. گوریا چف نیز بخشی می داند، که "سابقه تسلیحاتی، مخارج هنگفتی را به خود تخصیص می دهد" و از نقش ترمز کننده آن برای احصای اصلاحاتی که به تازگی در زمینه های گوناگون آغاز شده است، آگاه است.

اتحاد شوروی برای "پیشبرد اصلاحات اقتصادی" و "غلبه بر مخالفان تحولات جدید"، نیاز مبرمی به توافق در مورد خلع سلاح هسته ای با آمریکا دارد. اما انحصارات نظامی - صنعتی برای جلوگیری از روند این اصلاحات، در تلاش بوده و هستند که مخارج هنگفت نظامی را به اتحاد شوروی تحمیل کنند. در این رابطه "قالین" سیاستمدار شوروی ملی مهاجمی در ریکجاویك گفته است: "تلاش آمریکا برای تحمیل مخارج نظامی از سال ۱۹۶۶ آغاز گردیده است. در سال ۱۹۸۲، پنتاگون مدركی ۱۲۵ صفحه ای بپرون داد، که بنابر آن می بایستی شوروی را همیشه به سرمایه گذارهای جدید نظامی و مخارج هرچه بیشتر مجبور کرد. این مسئله، برنامه های است دراز مدت و به دفاع هیچگونه ارتباطی ندارد، بلکه شکلی است از جنگ ... در زمان صلح ...".

بپهوده نیست، که تمام محافظ نظامی کشور - های سرمایه داری از سیاست نظامی آمریکا پشتیبانی می کنند. اما سیاست آمریکا با مخالفت شدید نیروهای هوادار صلح، هم در ایالات متحده آمریکا و هم در دیگر کشورهای هم پیمان خود، روبرو گردیده است؛ تا آنجایی که "اگه" یکی از شخصیتهای برجسته حزب سوسیال دکرارت آلان، در رابطه با سیاست آمریکا در مباحثات ریکجاویك، از "یکشنبه سیاه" سخن به میان آورد. ریگان، رئیس جمهور آمریکا، برای جلوگیری از توافق در مورد خلع سلاح با پیشنهادات گوناگون - اما جنبی - که پاسخگوی نیاز عمومی برای دستیابی به صلح نیست و به توافق رسیدن یا نرسیدن به يك آنها، مشکل اصلی، یعنی از میان بردن سلاحهای اتمی و هسته ای را حل نخواهد کرد، در این دیدار حضور پیدا کرد.

این دیدار، بر سر مسئله جنگ ستارگان به شکست انجامید. اگر چه اتحاد شوروی برای ایالات متحده حق تحقیق آزمایشگاههای را در مورد ایجاد يك سیستم "دفاعی" در فضای کیهانی تا حصول نتیجه نهایی پذیرفته بود، اما آمریکا با تاکید بر اجرای برنامه های جنگ ستارگان در خارج از آزمایشگاهها، عملاً این دیدار را که به توافقهای لازم در مورد سلاحهای استراتژیک دوربرد و میان برد و آزمایشهای اتمی دست یافته بود، دچار شکست کرد.

دیدار ریکجاویك نشان داد که با وجود و اجرای برنامه جنگ ستارگان، دستیابی به خلع سلاح امکان ناپذیر است. بسیاری از دانشمندان تردید دارند که بتوان به يك سیستم دفاعی در فضای کیهانی دست یافت، که قادر باشد تهاجم هسته ای را با دقت از میان ببرد. حتی آنهايي که در مجموع

نشانی ما :

PLK
Nr. 032363 C
1000 Berlin 12

نشره خبری - به کوشش توده ایهای مبارز در برلین غربی

بها - معادل ۱/۵ مارک آلمان فدرال

پژواک

7. NOV. 1986